

دوفصلنامه علمی - تخصصی روابط آفریقا آسیا، دوره اول شماره دو / پاییز و زمستان سال ۱۴۰۳

بررسی فرا ترکیبی علائق ژئوپلیتیکی چین در آفریقا

مصطفی قادری حاجت^{۱*}، محمد شهاب احمدی^۲

۱. استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۳۰

چکیده

جمهوری خلق چین پس از جنگ سرد، به عنوان یک قدرت مهم اقتصادی در جهان معرفی شد. این کشور امروزه توانسته سیطره نفوذ خود را به ویژه به لحاظ اقتصادی، به تمام نقاط دنیا اشاعه دهد. یکی از نقاط استراتژی که این کشور با اروپا و آمریکا رقابت استراتژیک در آن دارد، قاره آفریقا است. این مطالعه تلاش دارد که به ارائه علت‌ها و زمینه‌های نفوذ قدرت چین در آفریقا بپردازد. از این رو با توجه به این نکته که تاکنون مطالعات زیادی در زمینه اقدامات و نفوذ چین در آفریقا انجام شده است، این مطالعه به منظور برقراری اجماع نظری مابین تحقیقات، به دنبال آن است که دلایل استراتژیک و مهم نفوذ چین در آفریقا را در یک چارچوب نظری بیان کند. از این رو فلسفه تحقیق تفسیری انتخاب شده است که با رویکرد کیفی و تکنیک‌های تحلیل محتوا و فراترکیب، به مدل مناسب در این زمینه دست یابد. خاطر نشان باید کرد که از میان ۲۹۸ مقاله که در بر دارنده اهداف و علائق ژئوپلیتیکی چین است، با توجه به سیستم نمره دهی کسپ روبریک، تعداد ۸ مقاله استخراج شده است. نتیجه پایانی حاکی از آن است که از مهمترین علائق ژئوپلیتیکی در آفریقا اهداف اقتصادی است که چنین اهدافی با توجه به اصول نرم و ساختار فرهنگی ایدئولوژیکی چین پیگیری شده‌اند.

واژگان کلیدی: چین، ژئو اکونومی، اهداف ژئوپلیتیک، علائق ژئوپلیتیک، آفریقا.

*Email: M.ghaderihajat@modares.ac.ir

مقدمه

در تقسیم کار بین‌المللی امروزه جایگاه ویژه ای برای جمهوری خلق چین در نظر گرفته شده است. در این زمینه کشور چین به منظور ایفای نقش خود بیشترین نگاه سیاسی خود را معطوف کشورهای تازه آزاد شده از بند استعمار به ویژه در کشورهای آفریقایی داشته است. در این زمینه باید به این امر توجه داشت که چین در ابتدا نه به انگیزه سیاسی و نظامی که بیشتر به هدف اهداف بشر دوستانه مانند مبارزه با استعمار، جنبش‌های ضد استعماری و نفی سرمایه داری، وارد کشورهای آفریقایی گردید؛ اما پس از دهه ۱۹۶۰ و افزایش اوج کشمکش با شوروی، اهداف دیگری را مد نظر خود قرار داد. از آن میان می‌توان به برحق بودن ایدئولوژیکی مائوئیستی خود در مقابل جریان ایدئولوژی شوروی و امپریالیستی جلوه دادن شوروی عنوان کرد؛ بنابراین اهداف سیاسی چین در آفریقا را باید از دهه ۱۹۶۰ به بعد بوده است. از همین زمان است که چین بیشترین تلاش خود را برای ایجاد وجهه مناسب جهانی ایجاد کرد و به دنبال برقراری روابط دوستانه سیاسی در جهان گشت. بدین ترتیب سیاست درهای باز سیاسی جایگزین سیاست‌های صدور انقلاب شد. به نظر می‌رسد این سیاست بیش از همه به اهداف ایجاد روابط تجاری و اقتصادی چین با سایر کشورها به ویژه کشورهای آفریقایی انجام شد.

مضاف بر آن، باید عنوان داشت که چین در آفریقا با نشر زبان و فرهنگ خود نیز به دنبال هم‌شکلی فرهنگی است؛ بنابراین یکی دیگر از جنبه‌های حضور چین در آفریقا جنبه فرهنگی است. در نگاه کلی باید گفته شود که چین دو سیاست اصلی را در دستور کار خود قرار داده است تا بدین وسیله منافع ملی خود را به صورت حداکثری تأمین کند:

- ۱) عدم حمایت فعالانه از رقبا و طرفین درگیر مناقشات منطقه‌ای؛
 - ۲) عدم تقابل غیر ضروری با هژمونی آمریکا و سیاست‌های امنیتی فعالانه این ابرقدرت در منطقه.
- توجه به دو محور فوق در واقع موضوعی است که در بیشتر تحقیقات علمی در زمینه نقش چین در آفریقا بدان پرداخته شده است؛ اما آنچه تاکنون کمتر بدان توجه شده است این است که هنوز اجماع نظری در زمینه نفوذ و جایگاه چین در آفریقا انجام نشده است. بدین ترتیب نمی‌توان با قطعیت تام در مورد جایگاه سیاست چین در آفریقا سخن گفت. بدین ترتیب این مقاله به دنبال مطرح کردن این نکته که مهمترین محور توجه چین در آفریقا نگاه اقتصادی است. سعی دارد جنبه‌های نفوذ چین در آفریقا را با یک تحلیل سیستماتیک برآورد کند.

از این رو، این مطالعه تلاش دارد با تلفیق داده‌های مطالعات مهم و معتبر جهانی، ابعاد متفاوت حضور چین در آفریقا را مدلسازی کند. بدین ترتیب سؤال اصلی این است که اهداف و علائق ژئوپلیتیکی چین در آفریقا کدام است؟

روش تحقیق

با توجه به تعریف روش شناسی باید عنوان داشت که هر تعریفی از روش شناسی قائم به سه جزء است که عبارتند از: روش شناسی، هستی شناسی و معرفت شناسی. مبتنی بر این سه جز باید عنوان داشت که مطالعه حاضر از نوع مطالعات تفسیری است با رویکرد کیفی که با تکنیک تحلیل محتوای عمقی و فراترکیب سعی در پاسخ دادن به سؤال تحقیق دارد. ابزار جمعی آوری داده‌ها فیش است و جامعه آماری کلیه منابع چاپی در حیطه سیاست‌های چین در آفریقا است. نمونه مورد مطالعه با توجه به هدف تحقیق مشخص می‌شود. این مطالعه به لحاظ روایی، از روایی بالایی برخوردار است. دلایل چنین امری این است که به منظور بررسی فراترکیبی از موضوع و ارائه مدل، محقق اقدام به تهیه از لیست سیاه می‌کند که منابع نامعتبر را از معتبر تشخیص می‌دهد. همین امر نشان می‌دهد منابعی که در این مطالعه به تحلیل گذاشته می‌شود از روایی بالایی برخوردار است. به لحاظ پایایی نیز باید دقت شود که فراترکیب از آنجایی که مجموع چند مطالعه صورت می‌پذیرد؛ بنابراین این مطالعه از نظر پایایی در سطح بالایی است. از سویی به منظور پایایی سنجی از محقق دیگری درخواست شده است که ۱۰ درصد از منابع را دوباره کدگذاری کند. نتایج حاکی از ۸۰ درصد ضریب کاپاست که شاخص مناسب برای پایایی مطالعه محسوب می‌شود.

تعریف مفاهیم

سه مفهوم اصلی در این راستا از هم قابل تمیز است. که عبارتند از مفاهیم ژئواکونومی، کدهای ژئوپلیتیکی و علائق ژئوپلیتیکی که در ذیل به تعریف هر یک پرداخته می‌شود. باید در نظر داشت ضمن تعریف این واژه‌ها، سعی می‌شود نگاهی به چین و جایگاه آن در آفریقا داشت.

ژئواکونومی

سیاست خارجی هر کشور نتیجه تعامل، برخورد و ترکیب متعددی از عوامل داخلی و خارجی است؛ مانند شرایط جغرافیایی و اقلیمی، تجربیات تاریخی، ترکیبات قومی، ماهیت سیستم سیاسی، توانایی‌ها و محدودیت‌های اقتصادی و نظامی و در نهایت، ماهیت سیستم بین‌المللی و منطقه‌ای. در این میان، عامل اقتصادی، به خصوص پس از پایان جنگ سرد، به یک عامل تعیین‌کننده در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی کشورها تبدیل شده است. به همین دلیل، از این زمان، ادوارد لوتواک مفهوم جدیدی را به نام ژئواکونومی معرفی کرد. او این اصطلاح را برای توصیف دنیای پس از جنگ سرد استفاده کرد که بر اساس آن، مهم‌ترین حوزه رقابت بین کشورها، اقتصادی است تا نظامی (Asgarkhani et al, 2017).

واژه ژئواکونومی را نمی‌توان یک واژه ساده برای تعریف دانست. در این میان افراد، تعاریف متفاوتی ذیل عنوان این کلمه ارائه داده‌اند. برخی ژئواکونومی را، بهره‌گیری از قدرت ژئوپلیتیکی یا نظامی برای دست‌یابی به اهداف اقتصادی می‌دانند و برخی به صورت وسیع‌تر به این واژه نگاه می‌کنند و آن هم این است که ژئواکونومی در واقع، در هم بافتگی اقتصاد بین‌المللی، استراتژی و ژئوپلیتیک است. در این میان تعاریف دیگری هم مطرح شده است و آن هم این است که ژئواکونومی در واقع، نوعی حمایت از تجارت داخلی است که ابعاد ژئوپلیتیکی نیز دارد. عده‌ای دیگر از این کلمه برای مشخص کردن تجارت بین‌الملل و تحریم‌ها استفاده می‌کنند. در برابر تمام این تعاریف، عده‌ای دیگر این کلمه را به تمام فعالیت‌های اقتصادی یک کشور در داخل و خارج از آن به کار می‌برند. که در این صورت، قدرت اقتصادی یک کشور در نتیجه قدرت و ضعف آن کشور در اقتصاد داخلی مشخص می‌شود. در واقع آنچه در این هدف مشخص است؛ این است که کشورهایی که دارای ضعف‌های اساسی در اقتصاد درونی خود باشند؛ به لحاظ ژئوپلیتیکی نیز توانایی لازم را نخواهد داشت (Kim, 2022).

آنچه در این تعاریف مشخص می‌شود دارای ابعاد زیر است:

- ۱- ژئواکونومی در واقع بهره‌گیری از اقتصاد برای اهداف ژئوپلیتیکی است.
- ۲- مهم‌ترین تعریف ژئواکونومی در این است که مدیریت یک کشور را منوط به نحوه به کارگیری اقتصاد می‌داند.

- ۳- ژئواکونومی در واقع با تلفیق اهداف ژئوپلیتیکی به دنبال اداره امور جهان است.
- ۴- ژئواکونومی بیش از داشتن ابعاد جغرافیایی، یک بعد اقتصادی برای اداره کشورهاست.
- ۵- ژئواکونومی به منظور بدست آوردن یک مزیت رقابتی، تمام جنبه‌های فرهنگی و فضایی و منابع را بسیج می‌کند (مختاری هشی، ۱۳۹۷).
- در این زمینه باید عنوان داشت که مزیت رقابتی به معنی این است که چه اقدام یا فعالیتی در جهان می‌توانیم داشته باشیم که در آن از همه بهتر باشیم. امروزه هر کشوری که مزیت رقابتی دارد؛ تلاش می‌کند قیمت‌ها را تحت کنترل خود نگه دارد و به نوعی کالای خود را به مردم جهان تحمیل کند. (Kim, 2022).

کدهای ژئوپلیتیک

از مهم‌ترین اجزای تشکیل دهنده سیاست خارجی یک کشور می‌توان به کدهای ژئوپلیتیک آن اشاره کرد که در واقع، در حکم اعمال قدرت آن کشور است. در تعریف کد ژئوپلیتیک یک کشور، نوعی نفوذ سیاسی خارجی یک کشور فراتر از مرزهای جغرافیایی آن کشور است که به نوعی به ارزیابی مکان‌های جغرافیایی می‌پردازد (زرقانی، احمدی، ۱۳۰۵). تیلور در این زمینه چنین می‌گوید که کد ژئوپلیتیک در واقع فرضیات استراتژیکی هستند که یک حکومت در شکل‌دهی سیاست خارجی خود با دیگر کشورهای ایجاد می‌کند. همچنین کدها ارزیابی مکان‌های خارج از سرحدات کشور را به شکل اهمیت استراتژیک و هم‌چنین تحلیلی از تهدیدات بالقوه را فراهم می‌کنند (عرب، ۱۳۹۲).

بدین ترتیب می‌توان چنین بیان داشت که کد ژئوپلیتیک در واقع نوعی بنیان سیاست خارجی یک کشور است که دارای ابعاد فرهنگی و جغرافیایی استراتژیک یک کشور است. باید در نظر داشت که در حضور یک کشور خارج از مرزهای خود کدام عامل اثرگذاری بیشتری دارد. در واقع کدام عامل به بازی بین‌المللی یک کشور در خارج از مرزهای جغرافیایی نسبت به دیگر کشورها کمک می‌کند. در جهان امروز که تسلط‌هایی نظامی نقش خود را نسبت به دوران گذشته کمتر دیده است؛ شناخت مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در فهم کدهای ژئوپلیتیک یک کشور نقش ویژه دارد (پیشگامی فرد و شراوند، ۱۳۹۷).

علائق ژئوپلیتیکی

یکی از اصولی‌ترین مفاهیم در علوم ژئوپلیتیک، تعلق ژئوپلیتیکی است. این مفهوم عبارت است از هم‌تکمیلی فضایی و جغرافیایی در آن سوی مرزها به از جنبه ساختاری دارای تجانس بوده و از جنبه کارکردی برطرف کننده نیازها و کمبودهای یک کشور است. باید گفت که تعلق ژئوپلیتیکی به نوعی بنیان‌علاق و منافع ملی است (حافظ‌نیا، رومینا: ۱۳۹۶).

به بیانی دیگر، علائق ژئوپلیتیکی، علائق سیاسی هستند که رابطه سیاست و جغرافیا در آن یک مؤلفه تعیین‌کننده است. علائق ژئوپلیتیکی شامل حوزه‌های متنوعی می‌گردد که می‌توان به سیاست خارجی، سیاست اقتصادی و سیاست نظامی - دفاعی اشاره کرد. علائق ژئوپلیتیک همانند مفهوم ژئوپلیتیک، سه شاخص تفکیک‌ناپذیر جغرافیا، سیاست و قدرت را به همراه خود دارد. علائق ژئوپلیتیک شامل مؤلفه‌های هشت‌گانه است که عبارتند از: سیاسی، جغرافیایی، ژئواکونومی، ژئوکالچر، ژئواستراتژی، فضای مجازی و رسانه‌ای، اکولوژیکی و علمی و تکنولوژی (علمدار و همکاران، ۱۳۹۹).

از علائق ژئوپلیتیکی چین در قاره آفریقا می‌توان به ۲۸ درصد حق رأی کشور های این قاره در سازمان ملل اشاره کرد. از نظر ژئوپلیتیک این قاره دروازه‌ای دریایی از آسیا به اروپا و بالعکس است. از نظر ژئواکونومی نیز قاره آفریقا با ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت، هنوز یک سرزمین ناشناخته با ظرفیت بسیار زیاد برای اقتصاد جهانی تلقی می‌گردد (Gu, et al, 2022). استفاده از حق رأی کشورهای آفریقایی توسط چین، در کنار بازار گسترده، انرژی و مواد اولیه سرشار در آفریقا که چین بسیار به آن نیازمند است در قالب مؤلفه‌های فوق، به خوبی نشان‌دهنده مکمل قرار گرفتن قاره آفریقا برای منافع و اهداف ملی چین در ذیل علائق ژئوپلیتیکی این کشور در عرصه جهانی است.

در نتیجه‌گیری از گفتمان فوق باید به این نکته توجه شود که سه مفهوم فوق در واقع نگاهی است نظری به نفوذ چین در آفریقا که هر سه اهداف اقتصاد سیاسی، و فرهنگی اجتماعی چین را در آفریقا دنبال می‌کنند.

یافته‌ها

در این بخش نیازمند تشکیل پروتکل فراتریکب هستیم که پس از سرچ در سه پایگاه زیر انجام می‌شود:

۱- اسکولار؛

۲- اسکوپوس؛

۳- الزیور.

نتایج ناشی از جستجو با توجه به شاخص‌های زیر در لیست بررسی قرار می‌گیرند و مقالاتی که حائز دریافت مطلوبیت نباشید در لیست سیاه قرار می‌گیرند و از جریان تحلیل حذف می‌شوند.

در زیر به این شاخص‌ها اشاره می‌شود:

۱- اهداف تحقیق؛

۲- عنوان تحقیق؛

۳- منطق نمونه‌برداری؛

۴- جامعه آماری؛

۵- جمع‌آوری داده؛

۶- استفاده از منابع معتبر؛

۷- دقت در تجزیه و تحلیل.

بر مبنای مقیاس نمره‌دهی کسپ روبریک که مقیاسی مابین ۵ تا ۵۰ نمره را شامل می‌شود. باید هر مقاله به حد نصاب ۳۵ نمره برسد تا امکان ماندن در تحلیل را داشته باشد. در این مرحله به توضیح روش پرداخته می‌شود.

در گام نخست ابتدا محقق پس از تحقیق انجام شده ۲۹۸ مقاله را حائز اهمیت و مناسبت لازم برای ورود به تحلیل دانسته است. از این میان با توجه به پروتکل اجرایی فراترکیب تعداد ۳۵ مقاله انتخاب شد که در نتیجه نمره‌دهی کسپ روبریک ۸ مقاله برای تحلیل نهایی مشخص گردد. جدول ۱ به بررسی این مقالات و نمره آن‌ها می‌پردازد.

جدول ۱. امتیاز دهی به مقالات

مقاله	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
نمره نهایی	۱۵	۳۰	۴۲	۳۳	۱۲	۱۸	۴۹	۳۳	۳۲	۵۶
مقاله	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
نمره نهایی	۲۹	۲۲	۲۶	۲۹	۳۲	۳۶	۴۳	۲۰	۳۱	۲۷
مقاله	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰

۲۶	۲۳	۲۹	۴۱	۲۹	۳۱	۳۳	۲۸	۲۱	۴۵	نمره نهایی
❖	❖	❖	❖	❖	۳۵	۳۴	۳۳	۳۲	۳۱	مقاله
❖	❖	❖	❖	❖	۲۰	۱۸	۲۳	۱۸	۵۳	نمره نهایی

به منظور تحلیل و استخراج مؤلفه‌های مربوط به سیاست‌های کشور چین در آفریقا محقق در این بخش از تحلیل محتوا استفاده می‌کند. مراحل و روند این تحلیل در زیر مطرح شده است.

روش کدگذاری

باید در نظر داشت که انواع مختلفی از کدگذاری در تحقیقات مد نظر است. در این مطالعه از سه کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است.

کدگذاری باز:

چامرز از کدگذاری باز به‌عنوان اولین مرحله از کدگذاری یاد می‌کند که شامل دو بخش کدگذاری اولیه و مقوله‌بندی است.

کدگذاری اولیه

کدگذاری اولیه، اولین مرحله از کدگذاری است و واحدهای معنایی خواننده و برچسب معنایی به آن‌ها زده می‌شود. در این مرحله، کدگذاری اولیه محقق ۶۳۸ کد بوده است.

مقولات

اولین مرحله از دسته‌بندی کدها در سطح مقوله شکل می‌گیرد. در این مرحله محقق با توجه به شباهت معنایی کدهای اولیه و نیز اشراف نظری خود کدها را دسته‌بندی می‌کند. در این مرحله محقق موفق به کشف ۳۸ مقوله معنایی شده است.

کدگذاری محوری

پس از شناسایی مقولات در این مرحله محورهای اصلی مطالعه مشخص می‌شود. این محورهای بر مبنای سه اصل زیر مشخص می‌شود:

۱- تحلیل همپوشانی؛

۲- اشراف نظری؛

۳- نظر خبرگان.

بر مبنای این سه اصل باید در نظر داشت که محقق موفق به کشف ۸ محور اصلی شده است. که این محورها به قرار جدول شماره ۲ است.

جدول ۲. کدهای محوری

کد اولیه	کداولیه اصلی	مقوله اصلی	کد محوری
		فرهنگ	
		منابع فرهنگی	
	فرهنگ محلی		
			نگاه محلی
	سبک زندگی		
	رویداد		
	آیین‌ها		
	قوانین		
		فعالیت مؤسسه کنفوسیوس	
		کمک‌های بهداشتی و رفاهی	
	تدوین سیاست‌های مناسب		
		اشاعه مکتب سوسیالیسم	
	اشاعه زبان		
	اشاره مفهوم برابری		
	تعاون‌گرایی		
			صنف‌گرایی
			مخالفت با نظامی‌گری
			اخلاق‌گرایی
			تجددگرایی
		همکاری نظامی و امنیتی	
	حمایت از جنبش‌های آزادی خواه		
	حفظ صلح جهانی		
	نوسازی سریع نیروی نظامی		
		منابع اجتماعی	
		تصمیم‌گیری	
		رهبری	
		نهادهای اجتماعی	

		اهمیت شبکه‌های اجتماعی	
		حمایت از سازمان‌های اجتماعی	
ویژگی‌های اقتصادی			
	اهمیت منابع		
		بهبود زیرساخت‌های مهندسی	
		هزینه‌های تولید	
		تولید سرمایه‌گذاری	
		تولید محلی	
	رشد بهینه اقتصادی		
		نرخ پس‌انداز	
	توزیع درآمد و اشتغال در جامعه		
	تنوع در صنعت		
		سرمایه شهری شده	
	صادرات صنعتی		
	مزیت رقابتی		
	فعالیت‌های خارجی		
	مهارت‌های نیروی کار در محل		
	کمک‌های بلاعوض		
		وام‌های طولانی مدت	
		بخشودگی دیرکرد	
		ارائه پیش فرض‌های اقتصادی سوسیالیسم	
		مبارزه با اقتصاد آزاد	
		ایجاد همکاری‌های فراملی و منطقه‌ای	
		تأکید بر سوخت منابع خام	
		تأکید بر صادرات چین	
		استراتژی توسعه کشاورزی	
		تغییر از استخراج به سرمایه‌گذاری	
			ارائه خدمات مونتاژ
			ارائه دانش و فناوری
	توجه به گروه‌های اقتصادی		

		اجلاس‌های مجمع همکاری چین و آفریقا	
		سازمان‌های قومی	
		کنفرانس باندونک	
	منابع انسانی		
		مهارت‌های کارآفرینی	
		رفتارهای مقابله‌ای و سازگار	
		خودکارآمدی ساکنان	
		جمعیت	
		آموزش	
		تخصص	
		تجربه	
		دانش	
			اهمیت داده‌های رصدی در پیش‌بینی سیل
			مناطق نوآور
			تکنولوژی
	عدالت اجتماعی		
		دسترسی برابر	
		فقر	
	مشارکت عمومی		
سیاست			
	قدرت نرم		
		عدم ورود به جنگ نظامی	
	تأکید بر مقیاس کوچک دولت		
		توسعه مبتنی بر ویژگی‌های مختص جغرافیایی	
منابع طبیعی			
	آب و هوا		
	کشاورزی		
	سنگ‌های معدنی		

کد‌گزینی

آخرین مرحله از کدگذاری را باید کدگذاری گزینی دانست. در این مرحله محقق سعی می‌کند که روابط مابین متغیرهای تحقیق را شناسایی کند و به نوعی به پیش فرض و مدل نهایی تحقیق دست یابد. مراحل این روش به مانند روش‌های پیشین از مسیر زیر عبور می‌کند:

۱- نظر خبرگان؛

۲- تحلیل نظری محقق؛

۳- تحلیل همپوشانی نرم افزار.

در توضیح اصول فوق باید گفت محقق در مرحله اول سعی می‌کند از چند خبره (اساتید دانشگاه) به منظور دسته‌بندی جدید استفاده کند. همچنین در این مسیر اشراف خود محقق که به مدت شش ماه با مسأله تحقیق درگیر بوده است. در این زمینه راهگشاست. سرانجام ویژگی نرم افزار مکس کیودا که امکان ایجاد روابط همپوشانی را فراهم می‌کند. در این مسیر مفید است. در توضیح همپوشانی باید گفته شود که زمانی که یک واحد معنایی همزمان کد **a** و **b** را دریافت می‌کند و میزان این همزمانی زیاد است، برای محقق این نظر را ایجاد می‌کند که ممکن است مابین این دو کد رابطه وجود داشته باشد. محقق پس از شناسایی این رابطه به کمک اشراف نظری خود اقدام به ترسیم مدل و نیز ایجاد فرضیه می‌کند. جدول ۲ نشان‌دهنده روابط همپوشانی متغیرهاست.

جدول ۳. روابط همپوشانی متغیرهای تحقیق

Code System	فرهنگ	منابع اجتماعی	وزگی های انصاری	سیاست	منابع طبیعی
فرهنگ					
منابع اجتماعی					
وزگی های انصاری					
سیاست					
منابع طبیعی					

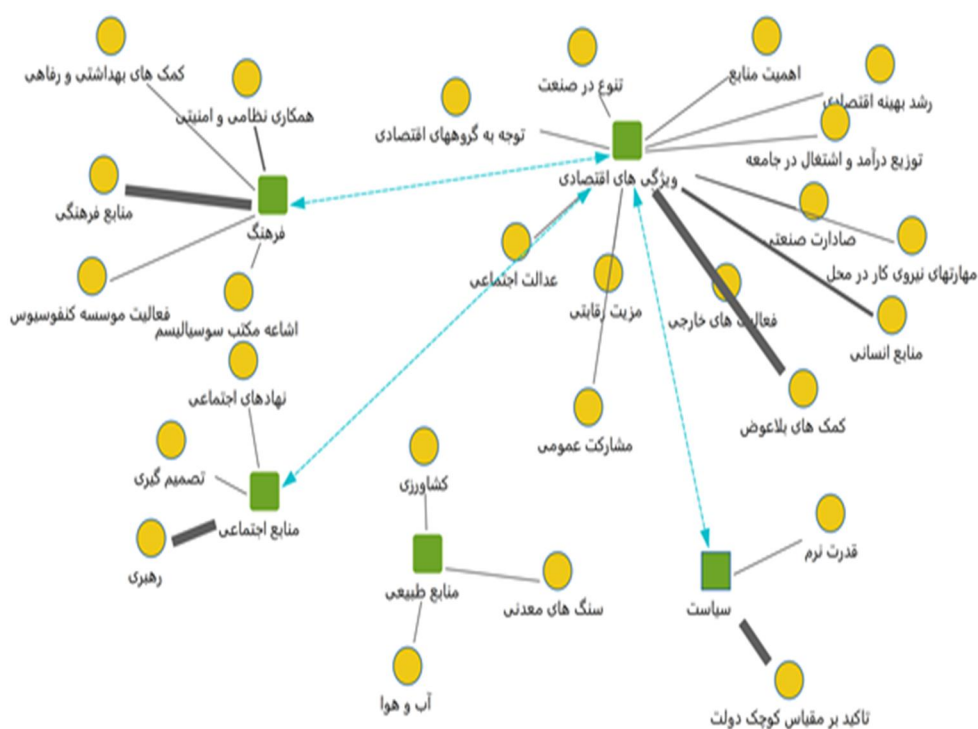
با توجه به جدول فوق باید عنوان داشت که مربع‌های قرمز نشان‌دهنده روابط همپوشانی بالاتری نسبت به مربع‌های آبی است. بر این است می‌توان فرضیات تحقیق را به شکل زیر دسته‌بندی کرد:

۱- مابین فرهنگ و ویژگی‌های اقتصادی رابطه وجود دارد (بدین معنا که اشاعه فرهنگ چین در آفریقا به دلیل تسلط شرایط اقتصادی این کشور بر این قاره است).

۲- مابین منابع اجتماعی و ویژگی اجتماعی رابطه وجود دارد.

بدین ترتیب می‌توان مهمترین وظیفه موجود در اغلب مطالعات مربوط به علائق ژئوپلیتیک چین در قاره آسیا را شرایط اقتصادی این کشور دانست که به تناسب استفاده از قدرت نرم یعنی تسلط فرهنگی و اجتماعی توانسته استیلای خود را بر این قاره افزایش دهد. لازم به ذکر است که مؤلفه سیاسی به وجود داشتن مربع آبی بزرگ و اثرگذاری محدود به سبب اینکه با بنیان نظری تحقیق همخوانی دارد، می‌توان رابطه همپوشانی این مؤلفه را با مؤلفه اقتصادی مورد بحث قرار داد؛ بنابراین سومین فرضیه این پژوهش مربوطه به وجود رابطه مابین مؤلفه سیاسی و اقتصادی است. مبحث فوق را می‌توان در نمودار زیر نشان داد:

نمودار ۱. فرضیه‌های استخراجی از تحلیل سترپژوهی



تجزیه و تحلیل

استراتژی ژئواکونومیک چین در قاره آفریقا: ژئواکونومی به معنی بهره‌برداری از ابزارهای اقتصادی، به منظور دستیابی به منافع اقتصادی بیشتر و دستیابی به نتایج ژئوپلیتیکی هر کشوری است (Moisio, 2024).

براساس گزارشی که توسط مرکز سیاست‌گذاری توسعه جهانی دانشگاه بوستون منتشر شده است؛ از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲، ۳۹ بانک و سازمان مالی چینی به ۴۹ دولت آفریقایی و ۷ نهاد منطقه‌ای تسهیلاتی به مبلغ ۱۷۰/۰۸ میلیارد دلار اعطا کرده اند (Bu Global Development Policy Center, 2023). از سویی در سال ۲۰۲۲ حجم تجارت دو کشور ۱۹۲ میلیارد دلار بوده است (Devecioglu, & Akçomak, 2022).

از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲، کشورهای جنوب و شرق آفریقا بیشترین وام را از چین دریافت کرده‌اند. در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲، ترکیب منطقه‌ای وام‌دهی چین به کشورهای آفریقا متفاوت بود و نقش کشورهای غرب آفریقا که در ۲۰ سال گذشته وام‌گیر عمده‌ای نبوده‌اند پر رنگ بود (Bu Global Development Policy Center, 2023).

تجارت چین با آفریقا در سال ۲۰۲۳، به ۲۸۲/۱ میلیارد دلار رسید. در مقابل کسری تجاری آفریقا با چین گسترش یافت. صادرات چین به آفریقا به ۱۷۳ میلیارد دلار رسید که افزایش ۷/۵ درصدی را نشان می‌دهد؛ در حالی که واردات این کشور از آفریقا ۶/۷ درصد کاهش را بازگو می‌کند و به ۱۰۹ میلیارد دلار رسیده است. کسری تجاری آفریقا با چین در سال ۲۰۲۲، ۴۶/۹ میلیارد دلار بوده است؛ در حالی که در حال حاضر، به ۶۴ میلیارد دلار رسیده است (Scmp, 2024). به گزارش و آمارهای فوق می‌توان این مطلب را اضافه کرد که تقریباً این ارتباط تجاری از شمال به جنوب آفریقا مطرح بوده است و تنها مربوط به کشورهای توسعه یافته آن نیست. بعنوان نمونه تجارت بین چین و کشورهای جنوب صحرای آفریقا از ۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ تا ۲۲۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است (Mohale, 2023).

در مورد اهداف ژئواکونومی چین در آفریقا می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- اعطای وام‌های بدون بهره یا با بهره کم و بلند مدت به آفریقا؛
- ۲- استقرار دیاسپورای چینی در آفریقا؛
- ۳- اختصاص کمک‌های ویژه مالی به کشورهای آفریقا مانند ساخت ساختمان‌های دولتی؛

باید اشاره کرد که آفریقا سهم حدود ۴۵ درصدی از کمک های خارجی چین را داراست.



(میرترابی و همکاران، ۱۴۰۲)

۴- رویکرد برد - برد در چین؛

در این زمینه هرگونه تعاملی با آفریقا، به عنوان تنها یک تعامل اقتصادی در نظر گرفته می شود و چینی ها در این زمینه خود را به عنوان قوم برتر در نظر نمی گیرند (An, Mikhaylov, & Richter, 2020).

۵- دسترسی به آبراهه های استراتژیک دریایی چون کانال سوئز، تنگه جبل الطارق، باب المندب و دماغه امید نیک؛

۶- دارای بودن بالاترین منابع و ذخایر سنگ های قیمتی؛

۷- بالا بودن نرخ بازگشت سرمایه؛

۸- اقتصاد رو به رشد و مقام در برابر بحران های جهانی (Cramer, Sender, & Oqubay, 2020).

۹- گسترش تجارت و بهبود رشد اقتصادی؛

۱۰- افزایش سرمایه گذاری خارجی و افزایش نقش بین المللی شرکت های چینی؛

۱۱- دستیابی به منابع به انرژی، مواد خام و معدنی آفریقا؛

۱۲- تبدیل آفریقا به بازار مصرفی کالاهای چینی؛

۱۳- مطرح شدن یوان به عنوان یک واحد پولی بین المللی (میر ترابی و همکاران، ۱۴۰۲).

باید در نظر داشت که به لحاظ اقتصادی و سیاست های فضایی در مورد چین باید گفته شود که نفوذ اخیر چین به صورت قابل ملاحظه ای ریشه در بنیان های اقتصادی و سیاسی دارد. پکن

سعی داشته که از طریق ابزارهای دیپلماتیک، محرک‌ها و مساعدت‌های مالی، همچنین مشارکت نظامی و شرکت در نیروهای حافظ صلح، یک رویکرد همه جانبه را در مورد آفریقا اتخاذ نموده تا از این طریق، هم‌سو با نیروهای غربی بتواند موقعیت خود را برای مدت طولانی تثبیت کند. از نظر چین ارتباط اقتصادی با آفریقا دارای دورنمای خوبی است و منجر به افزایش سرمایه‌گذاری و دسترسی به منابع زیاد می‌گردد (Carmody et al., 2022)

کدهای ژئوپلیتیک چین در آفریقا: هونگ مینک، محقق ارشد علوم اجتماعی در چین می‌گوید که آفریقا سنگ‌بنای دیپلماسی چین است. متحدان چین در این قاره نه تنها شعاع فعالیت‌های چین را گسترش می‌دهند؛ بلکه عمق استراتژیک رقابت چین و آمریکا را به نفع چین تغییر خواهند داد (The Diplomat. 2021).

تغییر شکل نهادها و هنجارهای جهانی برای انعکاس چشم‌اندازهای چینی، در رویکرد چین به رقابت ژئواستراتژیک محور است. این همان موضوعی است که حزب کونیست چین از آن به عنوان اصلاحات یاد می‌کند؛ یعنی زمانی که چین می‌خواهد در رهبری اصلاحات نظام حکمرانی جهانی مشارکت جهانی داشته باشد. تمایل چین برای تغییر شکل نهادهای چند جانبه و ایجاد نهادهای جدید، تا حدی به توانایی این کشور در جلب حمایت جنوب برای ابتکارات جهانی خود بستگی دارد. آفریقا با ۲۸ درصد آرای سازمان ملل، در مقایسه با ۲۷ درصد آرای آسیا، ۱۷ درصد آرای آمریکا و ۱۵ درصد اروپای غربی، بزرگترین بلوک مجمع عمومی سازمان ملل متحد را تشکیل می‌دهد. آفریقا هم چنین دارای یک چهارم آرای تمام ارگان‌های سازمان ملل متحد است. این موضوع برای چین به جهت طراحی مجدد نهاد های جهانی بسیار مهم است (Nantulya, 2023).

تعامل تجاری چین با قاره آفریقا در سال ۲۰۱۳ با ابتکار کمربند و جاده رسمی شد. چین بزرگترین شریک تجاری با آفریقا است که در سال ۲۰۲۱ حجم تجارت این دو کشور به ۲۵۴ میلیارد دلار رسید که ۴ برابر تجارت آمریکا با آفریقا است. از سوی دیگر نیز، چین بزرگترین سرمایه‌گذاری در قاره آفریقا است که حدود دو برابر سرمایه‌گذاری آمریکا در این قاره است. مقامات آمریکایی نسبت به فعالیت‌های نظامی چین در آفریقا نگران است.

سویا ارتباطات تجاری چین و آفریقا، مؤلفه نفوذ نظامی چین در آفریقا نیز مورد توجه است. در سال ۲۰۱۷، چین اولین پایگاه نظامی خارج از کشور خود را در جیبوتی تاسیس کرد (United States Institute of Peace, 2022). در واقع کمربند اتصالی یا (BRI)، با هدف افزایش اتصال زیرساختی بین چین و آفریقا، در میان سایر مناطق BRI راه‌هایی را برای پروژه‌های بزرگ در سراسر آفریقا باز کرده است و پیشرفت‌های چشمگیری در صنایع، زیرساخت‌ها، بهداشت، آموزش، کشاورزی و ارتباطات ایجاد کرد. اهمیت این کمربند تا بدان حد رسید که چین ۶۵ تریلیون دلار برای تحقق آن متعهد شد (Devecioglu, & Akçomak: 2024). چین با اصرار بر همکاری بدون قید و شرط با کشورهای آفریقایی، بدون توجه به نظام سیاسی و اقتصادی آنها، خود را از تعامل کشورهای غربی با آفریقا متمایز کرده است. چین حتی از حق وتوی خود برای مداخلات بین‌المللی در سودان و زیمبابوه استفاده کرد که دولت‌های آنها متهم به نقض حقوق بشر هستند (China Institute Of Soas University, 2024).

چین در سال ۲۰۱۵ برای اولین بار حفاظت از منابع برون مرزی را شناسایی کرد. در سال ۲۰۱۹ نیز، تاسیسات لجستیکی برون مرزی را در کاغذ سفید خود مورد توجه قرار داد. وزارت دفاع آمریکا در آخرین گزارش خود اعلام کرد که چین، ۱۳ کشور را برای تاسیس پایگاه نظامی در نظر گرفته است که کشورهای آنگولا، کنیا، سیشل و تانزانیا، برخی از آن کشورها هستند (Miller, 2022).

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان عنوان داشت که کدهای ژئوپلیتیک چین در آفریقا عبارتند از:

- ۱- رقابت استراتژیک با غرب به منظور محدود کردن نفوذ آنها به ویژه نفوذ آمریکا در آفریقا؛
- ۲- محدود کردن نفوذ اروپا در آفریقا؛
- ۳- محدود کردن فعالیت کشور ژاپن در کشورهای آفریقایی؛
- ۴- از میان بردن فشارهای سازمان بین‌المللی در مورد نقض حقوق بشر توسط چین؛
- ۵- تأکید بر جایگاه استراتژیک آفریقا هم به لحاظ منابع طبیعی و هم به سبب تسلط بر شاهراه‌های آبی مهم جهان؛
- ۶- استراتژی چند جانبه‌گرایی چین؛
- ۷- نفوذ نظامی در آفریقا.

باید در نظر داشت که استراتژی حضور چین در آفریقا فقط جریان اقتصادی نیست؛ بلکه به صورت کلی چین با داشتن حضور در نهادهای بین‌المللی پول و بانک جهانی و سایر نهادهای مالی مهم جهان، به عنوان مهره و بازیگر مهم سیاسی و اقتصادی مشخص می‌شود و همین امر باعث شده است که فشارهای بین‌المللی برای نقض حقوق بشر از روی چین برداشته شود (Svyrydenko, & Stovpets, 2020).

علائق ژئوپلیتیکی چین در آفریقا: علائق ژئوپلیتیک شامل مؤلفه‌های هشت‌گانه است که عبارتند از: سیاسی، جغرافیایی، ژئواکونومی، ژئوکالچر، ژئواستراتژی، فضای مجازی و رسانه ای، اکولوژیکی و علمی و تکنولوژی (علمدار و همکاران، ۱۳۹۹).

از علائق ژئوپلیتیکی چین در قاره آفریقا می‌توان به ۲۸ درصد حق رأی کشور های این قاره در سازمان ملل اشاره کرد. از نظر ژئوپلیتیک این قاره دروازه‌ای دریایی از آسیا به اروپا و بالعکس است. از نظر ژئواکونومی نیز قاره آفریقا با ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت، هنوز یک سرزمین ناشناخته با ظرفیت بسیار زیاد برای اقتصاد جهانی تلقی می‌گردد (Gu, et al, 2022). استفاده از حق رأی کشورهای آفریقایی توسط چین، در کنار بازار گسترده، انرژی و مواد اولیه سرشار در آفریقا که چین بسیار به آن نیازمند است در قالب مؤلفه‌های فوق، به خوبی نشان‌دهنده مکمل قرار گرفتن قاره آفریقا برای منافع و اهداف ملی چین در ذیل علائق ژئوپلیتیکی این کشور در عرصه جهانی است.

نتیجه‌گیری

در بررسی علائق ژئوپلیتیک کشور چین در آفریقا مطالعه حاضر تلاش داشت تا از میان بخش عمده‌ای از منابع خارجی و داخلی در این زمینه به الگوی پایدار از مؤلفه‌های دارای اهمیت دست یابد. باید در نظر داشت که علائق چین در آفریقا به سبب عبور از جنگ سرد به سمت قدرت نرم و نفوذ فرهنگی، اجتماعی برای دست یابی به اهداف اقتصادی حرکت کرده است. در این بررسی سعی شده این مؤلفه‌ها و علائق از هم شناسایی شوند و مهمترین رهیافته‌ها بازگو گردند. باید در نظر داشت به صورت کلی می‌توان عنوان داشت که چین اهداف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی،

- اقتصادی و طبیعی (جغرافیایی) را در آفریقا پیگیری می‌کند. مهمترین مؤلفه در این زمینه زمینه‌های اقتصادی است. به صورت خلاصه می‌توان این زمینه‌های در زیر جستجو کرد:
- ۱- دسترسی به آبراهه‌های استراتژیک دریایی چون کانال سوئز، تنگه جبل الطارق، باب المندب، و دماغه امید نیک؛
 - ۲- امکان دسترسی به ۵۴ کشور مستقل دارای حق رأی در مجامع بین‌المللی؛
 - ۳- حمایت از چندجانبه‌گرایی مورد توجه چین؛
 - ۴- رقابت با آمریکا و غرب؛
 - ۵- وزن مهم کشورهای آفریقایی در سازمان‌های بین‌المللی به نفع چین؛
 - ۶- وجود سازمان‌های منطقه‌ای ثبت ۷۷ سازمان منطقه‌ای مهم جهان در آفریقا؛
 - ۷- دومین کشور پرجمعیت جهان؛
 - ۸- بازار گسترده به عنوان دومین قاره وسیع جهان؛
 - ۹- دارای بودن منابع و ذخایر سنگ‌های قیمتی؛
 - ۱۰- بالا بودن نرخ بازگشت سرمایه؛
 - ۱۱- اقتصاد رو به رشد و مقام در برابر بحران‌های جهانی؛
 - ۱۲- حضور تمدن‌های کهن در این قاره؛
 - ۱۳- تنوع گسترده زبانی و قومی؛
 - ۱۴- خلق و خوی مدنی مسالمت‌جو؛
 - ۱۵- ذخایر تولید و مصرف تجارت نفت و گاز در آفریقا.
- می‌توان عنوان داشت که آفریقا برای چین به عنوان نقطه استراتژیک محسوب می‌شود. به ویژه در رقابت با آمریکا و اروپا، این نقطه می‌تواند بر تسلط اقتصادی کشور چین در جهان بیافزاید و این کشور را به عنوان یک ابر قدرت اقتصادی معرفی کند.

قدردانی

نویسندگان مراتب قدردانی خود را از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس به واسطه حمایت‌های مادی و معنوی صورت گرفته در راستای انتشار مقاله اظهار می‌نمایند.

منابع

- پیشگامی فرد، زهرا، شیراوند، صارم، ۱۳۹۷، «تأثیر مؤلفه‌های فرهنگ استراتژیک بر کدهای ژئوپلیتیک اوکراین»، نشریه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۲۴، شماره ۱۰۲، ۳۵-۵۷
- حافظ نیا، محمدرضا، رومینا، ابراهیم. (۲۰۱۷). «تأثیر علائق ژئوپلیتیکی ایران و عربستان در ایجاد چالش‌های منطقه‌ای در جنوب غرب آسیا». تحقیقات جغرافیایی، ۳۲(۲)، ۹-۲۰.
- مختاری هشی، حسین، ۱۳۹۷، «تبیین مفهوم ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیکی) و توسعه‌هایی برای ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۱۴، شماره ۵۰، شماره پیاپی ۵۰، صص ۵۶-۸۲
- زرقانی، هادی، احمدیف ابراهیم، ۱۳۹۵، «رمز گشایی کدهای ژئوپلیتیک عراق در تهاجم به ایران (با تأکید بر کدبازنمایی و تصویر سازی ژئوپلیتیک)»، پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، ۱-۴(۴) صص ۶۷-۹۲
- عرب، حسین، ۱۳۹۲، «تحلیلی بر مبانی نظری کدهای ژئوپلیتیک، خراسان بزرگ»، سال پنجم، شماره ۱۴، صص ۲۷-۴۸
- عسگرخانی، ابومحمد، قهرمانی، محمد جواد، قادری حاجت، مصطفی. (۱۳۹۷). «تحلیل ژئواکونومیک سیاست خارجی چین»، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۱۴(۵۲)، pp. 209-233
- میرترابی، سعید، قربانی شیخ نشین، ارسلان، منوری، علی، هزایی، امید، ۱۴۰۲، «نقش کمک خارجی چین در خیزش اقتصادی این کشور در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱»، مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دوره ششم، شماره اول، ۲۸۹-۳۱۹
- An, J., Mikhaylov, A., & Richter, U. H. (2020). Trade war effects: Evidence from sectors of energy and resources in Africa. *Heliyon*, 6(12).
- Caldara, D., & Iacoviello, M. (2022). Measuring geopolitical.
- Carmody, P., Taylor, I., & Zajontz, T. (2022). China's spatial fix and 'debt diplomacy' in Africa: constraining belt or road to economic transformation? *Canadian Journal of African Studies/Revue canadienne des études africaines*, 56(1).
- China-Africa trade hit \$282 billion in 2023, Africa's trade deficit widens, commodity prices key factor. *South China Morning Post*. Link (Accessed on June 14, 2024).
- China's Non-Interference Principle and the Military Coups in Africa: A Clash With the African Union? Link.
- China's Presence in Africa Is at Heart Political. *The Diplomat*. August 2021. Link.
- Devecioglu, K., & Akçomak, D. (2022). *ChronAfrica*. *Science*, 1(1), 71-87.
- Gu, X., Mayer, M., Dinkelbach, C., Heidbrink, C., Huang, Y., Ke, X., & Ohnesorge, H. W. (2022). China's Engagement in Africa: Activities, Effects and Trends. Center for Global Studies. Retrieved from Center for Global Studie.
- Kim, D. J. (2021). Making Geoeconomics an IR research program. *International Studies Perspectives*, 22(3), 321-339.

- Kim, D. J. (2022). Europe as a geoeconomic pivot: geography and the limits of US economic containment of China. *European Security*, 31(1), 97-116.
- Moisis, S. (2024). Towards critical geoeconomics? *Transactions of the Institute of British Geographers*, 49(1), e12646.
- Nantulya, P. (2023). Africa's Role in China's Multilateralism Strategy. Africa Center for Strategic Studies.
- Svyrydenko, D., & Stovpets, O. (2020). Cultural and economic strategies of modern China: In search of the cooperation models across the global world. *Future Human Image*, 13, 102-112.
- "10 Things to Know about the U.S.-China Rivalry in Africa". Link.
- Miller, Eric A. (2022). More Chinese Military Bases in Africa: A Question of When, Not If. *Foreign

Analysis of China's geopolitical interests in Africa

Mostafa Ghadri Hajat^{1*}, Mohammad Shahab Ahmadi²

1. Assistant Professor of Political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
2. Doctoral student of Political Geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Abstract

After the Cold War, the People's Republic of China emerged as a major economic power in the world. Today, this country has been able to spread its influence, especially economically, to all parts of the world. One of the strategic points where this country is in strategic competition with Europe and America is the African continent. This study attempts to present the causes and contexts of China's influence in Africa. Therefore, considering the fact that many studies have been conducted on China's actions and influence in Africa so far; in order to establish a theoretical consensus among the researches, this study tries to explain the strategic and important reasons for China's influence in Africa in a theoretical framework. Therefore, the philosophy of interpretive research has been chosen to achieve the appropriate model in this field with a qualitative approach and content analysis techniques. It should be noted that among the 298 articles containing China's geopolitical goals and interests, 8 articles were extracted according to the CASP rubric scoring system. The final result indicates that one of the most important geopolitical interests in Africa are economic goals pursued according to the soft principles and ideological cultural structure of China.

Keywords: China, geo-economics, geopolitical objectives, geopolitical interests, Africa.